جناب آقا

**ميرزا مهدی کاشانی**

**هو اللّه**

و از جمله مهاجرين و مجاورين جناب آقا ميرزا مهدی کاشانی است \* اين شخص محترم از اهل کاشان بود و در بدايت عمر تحصيل علوم و فنون از پدر مرحوم مينمود تا آنکه در شعر و انشاء و خطّ شکسته مهارت تام يافت و در بين اقران ممتاز و از جوانان ديگر مستثنا بود \* در سنّ طفوليّت از ظهور حضرت احديّت خبر گرفت و بنار محبّت اللّه بر افروخت و از خريداران يوسف حقيقی شد سر حلقه طالبان گرديد و در دائرهء عاشقان در آمد لسان تبليغ گشود و در اثبات ظهور به بيان بليغ پرداخت \* بعضی را بشاهراه هدايت دلالت کرد و در کاشان بعشق الهی رسوای جهان شد مورد ملامت بيگانه و آشنا گرديد و معرض شماتت هر يار بيوفا شد \* يکی گفت اين سر گشته و سودائيست ديگری گفت اين بخت بر گشته و رسوائی جفا کاران زبان طعن گشودند و ستمکاران رحم ننمودند \* چون عرصه تنگ شد و اشرار بستيزه و جنگ برخاستند جناب مذکور ترک وطن مألوف کرد و بمرکز اشراق خطّهء عراق شتافت و بحضور دلبر آفاق رسيد چندی بمصاحبت ياران پرداخت و بمحامد و نعوت آهنگ خوشی مينواخت \* بعد از مدّتی مأذون برجوع کاشان گشت و ايّامی در وطن خويش بسر برد دو باره شور به سر آمد طاقت فراق نماند مراجعت بعراق کرد و همشيره خويش امة اللّه المحترمه حرم ثالث را ببغداد آورد \* در بغداد در ظلّ عنايت بسر ميبرد تا آنکه موکب مبارک از عراق بسمت قسطنطنيّه حرکت نمود \* در بغداد بمحافظه بيت مأمور شد و از آتش فراق در احتراق بود دمی آرام نداشت و نَفَسی آسايش و راحت ننمود تا آنکه احبّا از عراق بموصل نفی و تبعيد شدند از جمله اسيران بود و از زمره مظلومان بنهايت تعب و مشقّت بموصل رسيد و در حدباء اسير محنت و بلا بود \* اکثر اوقات ضعيف و عليل بود و در منفی در نهايت فقر و فنا با وجود اين صبور و شکور بود و حمول و وقور تا آنکه طاقت طاق شد و تحمّل فراق نماند اذن حضور خواست مأذونًا مأجورًا بسجن اعظم شتافت \* از شدّت صدمات راه و شدّت محنت و مشقّت با جسمی ضعيف و نحيف و ناتوان بزندان عکا واصل گشت ايّامی بود که جمال مبارک در داخل قلعه در وسط قشله محبوس و مسجون بودند \*

باری، جناب مذکور با تعب موفور ايّامی بوجد و سرور گذراند بلا را عطا يافت و زحمت را رحمت دانست و نقمت را نعمت شمرد زيرا در سبيل الهی بود و ابتغاء رضاء ربّانی ايّام را ميگذراند تا آنکه مرض شدّت يافت و روز بروز جسم بر انحلال افزود و در پناه عنايت بجوار رحمت کبری طيران نمود \* اين ذات مکرّم بين خلق محترم بود ولی در سبيل محبّت اللّه بی‌نام و نشان گشت و انواع بلايا و رزايا تحمّل نمود و هيچ وقت شکوه ننمود راضی بقضا بود و راه تسليم و رضا می پيمود مشمول نظر عنايت بود و در درگاه کبرياء مقرّب لهذا از بدايت حيات تا نهايت بر حالت واحده مستغرق بحر رضا بود و ربّ ادرکنی ادرکنی ميگفت تا آنکه بجهان پنهان صعود نمود \* عطّر اللّه مشامه بنفحات القدس فی الفردوس الاعلی و سقاه شرابًا طهورا فی کأس کان مزاجها کافورا و عليه التّحيّة و الثّناء \* رمس معطّرش در عکاست \*